

گفت و گو با کیومرث پوراحمد

باید يك مقدار سعه صدر داشته باشیم

نصیر الله قادری - حسین فرخی

سینما تئاتر: باتشکر از جنابعالی به عنوان اولین سوال می‌خواستیم تعریف خاص شما را از سینمای کودک و نوجوان بپرسیم؟

پور احمد: سوال سختی است، ما چند سال پیش جلساتی داشتیم و با دوستانی مثل آقای طالبی نژاد، پرتوی، نیکخواه آزاد و چند نفر دیگر در مورد سینمای کودک و نوجوان صحبت می‌کردیم که ماحصل این جلسات را در مجله سروش چاپ کردند، البته اینطور نبود که بشود یک تعریف کامل در مورد این سینما ارائه داد. و حالا هم که خیلی از آن روزها گذشته و چیزی در ذهن ندارم تا بتوانم تعریفی سیستماتیک ارائه کنم. به نظر من باید در وهله اول سینما باشد و بعد بحث سینمای کودک، فکر می‌کنم بیشتر برگردد به مبانی تربیتی و روانشناسی کودک و اینکه ما می‌توانیم بگوئیم چه نوع فیلمی در مورد کودکان وجود دارد و البته این هم تا حدودی تکراری است و چیز تازه‌ای نیست، چرا که همه تعاریف نسبی است و تلاش‌های موجود هم نسبی است و ارزش‌های فردی مطرح است. یک سال در جشنواره اصفهان من داور بودم فیلمی به نام «لمپ» زاپرگزیدیم و جایزه دادیم، دوست‌بان اعتراض کردند به این که این فیلم بد است و تلخ است و شما نباید جایزه می‌دادید. خیلی از فیلم‌ها در ردیف خاص فیلم‌های کودکان نیست، اما کودکان با آنها رابطه برقرار می‌کنند و بزرگسالان نیز همین ارتباط را برقرار می‌کنند چون در وجود همه ما به هر حال یک کودک وجود دارد و دنیای کودکی ما همواره با ما همراه است و در این نوع فیلم مضامینی وجود دارد که آن کودک درونی ما را تحریک می‌کند. پس این نوع سینما تعریف شدنی نیست بچه‌ها زبان خاص خودشان را دارند و باید سعی کنیم به آنها احترام بگذاریم، ما نباید تماشاچی را فریب بدهیم و کار مبتذل هم نکنیم و به بهانه اینکه ما داریم برای بچه‌ها کار می‌کنیم نباید کار مبتذل بسازیم، در مورد همین خواهران غریب، دوستان می‌آمدند سر مونتاز و می‌دیدند که من دارم با فیلم کلنجار می‌روم، می‌گفتند مگر قرار نیست این فیلم برای کودکان باشد و بفروشد، پس چرا داری اینقدر خودت را اذیت می‌کنی. بزن برو، متأسفانه اینجوری نگاه می‌کنند، من می‌گویم یک فیلم می‌تواند پرفروش باشد و خوش ساخت هم باشد، باید به سلیقه تماشاگر احترام گذاشت و به سلیقه کودک هم احترام بگذاریم تا رشد کند، نباید در اصول تربیتی کودکان را دچار دردمس کنیم. به بچه‌ها امید بدهیم تا به باور برسند، دوران کودکی، دورانی سازنده و مهم است که در طول زندگی انسان تاثیر گذار است، در فیلم‌هایی که برای کودکان می‌سازند، بچگی را یک نقصان می‌دانند و با داستان بسیار پیش پا افتاده و مبتذل یک چیزی را سرهم بندی می‌کنند که مثلاً بچه‌ها

سرگرم شوند، در حالی که اگر ما دوران بچگی را غیر از این بینیم، می‌شود فیلم‌هایی ساخت که تأثیر گذار باشد. من فیلم بخاطر هانیه را که می‌ساختم فکر نمی‌کردم مشکل ارتباط با مخاطب را داشته باشد اما در عمل دیدیم که کم فروش‌ترین فیلم سال شد، اما خوب به هر حال این فیلم یکی از بهترین فیلم‌های من است که به آن اعتقاد دارم و فکر می‌کنم فیلم باران‌رزی برای نوجوانان است. من هیچوقت از قبل تعیین نمی‌کنم، فیلمی را که می‌خواهم بسازم پرفروش باشد یا جشنواره‌ای یا هنری، یک چس در وجود من هست که مرا ادا می‌کند به سمت آن بروم، مهم این است که من به اصول خودم وفادار بمانم و این اصول را زیر پا نگذارم.

سینما تئاتر: ما چیزی فراتر از سینما را در سینمای کودک جستجو می‌کنیم و شما می‌گوئید که به صورت فطری کار می‌کنید، اما در آثار شما نکات ظریفی وجود دارد که نشان دهنده ورود شما به دنیای فانتزی کودک و نوجوان است، شیطنت‌های آنها و زلال بودن بچه‌ها، شما چطور به این دنیا وارد شدید و آنرا کشف کردید؟

پور احمد: برای رسیدن به این مرحله من هیچ کار خاصی را انجام ندادم، نه تمرینی، نه فرمولی خاص و ... تنها احساس می‌کنم چیزی در وجود من هست که می‌تواند در وجود همه باشد، اما بعضی‌ها این فرصت را از خود می‌گیرند و کودکی‌اشان را محدود می‌کنند و به آن اجازه پرواز نمی‌دهند، ما می‌توانیم، حالا به دلایل اجتماعی، سیاسی، فردی و یا خانوادگی. شاید فرق من با دیگران در این است که گنجینه کودکی درونم را پرواز می‌دهم. شاید به ظاهر من آدم عبوس باشم، البته در کارم و سنواس دارم و جدی هستم ولی به هر حال امکان بروز این حس را برای خودم آزاد می‌گذارم.

سینما تئاتر: کودکی درونی ما، هر چند هم که آزاد باشد و پرواز کند اما در نهایت کودکی هر کس شخصی است. شما از چه ابزاری استفاده می‌کنید و پارامترهای شما برای قابل فهم بودن بچه‌ها چیست؟ به هر حال یک حالت روحی و روانی وجود دارد که ما باید آنرا بشناسیم تا بتوانیم به تصویر در آوریم؟

پور احمد: ما باید اول فیلمساز باشیم، یعنی توانایی ساخت فیلم را داشته باشیم و بتوانیم فیلم خوب بسازیم و تبحر لازم را داشته باشیم و بعد هم اون کودکی را اجازه پرواز بدهیم و این مجموعه می‌شود یک فیلم خوب که بتواند با بچه‌ها ارتباط برقرار کند. بخشی از این موفقیت در سایه شناخت، مطالعه، تجربه، روانشناسی کودک و ... بوجود می‌آید، من به روانشناسی علاقه دارم و

دارم و بخشی هم برمی گردد به اینکه من معلم بودم، در تهران، در جزیره قشم و در روستاهای کرمان و با بچه ها رابطه داشتم و حالا شاید به این دلیل و توجه به جزئیات رفتار بچه ها مجموعه این ها در آرشپو اطلاعات ذهنی من جمع شده اند و تبدیل به یک موضوع می شوند. به نظر من شناخت عینی و تجربی خیلی مهم است.

سینما تئاتر: پس شما در دوره ای از زندگی اتان معلم بودید، با بچه ها سرو کار داشتید و تجربه ملموس داشتن با این قشر نشان می دهد که کار عمیق و قابل درک است و این هماهنگی و به اصطلاح قاطی شدن با بچه ها کاملاً مشهود است و من متوجه می شوم که این ارتباط تنگاتنگ در دوره معلمی شما چه قدر تاثیر دارد روی آثارتان. نکته دیگری که وجود دارد، اینکه متأسفانه فیلمسازان مادر آثارشان می خواهند حرف های خیلی بزرگ بزنند، در حالی که شما دغدغه

در وجود همه ما به
هر حال یک کودک
وجود دارد و دنیای
کودکی ما همواره با ما
همراه است

این را ندارید که معضلات همه عالم را حل کنید، یک مسئله کوچک را به زیباترین شکل ممکن بیان می کنید، آیا نمی ترسید که متهم به ساده اندیشی شوید؟

پوراحمد: در مورد بخش اول سؤال، دقیقاً همین طور است، در روستاهای جزیره قشم من معلم بودم روزهای اول می دیدم که زبان آنها را نمی فهمم، همین فارسی بود یا یک لهجه خاص بندری، ولی به مرور عادت کردم، سرکلاس من هیچوقت اون مقررات خشک وجود نداشت، بچه ها آزاد بودند و من همیشه میان بچه ها و روی نیمکت می نشستم و همین بچه ها از نظر درس همون سال در جزیره اول شدند. در کرمان و تهران هم وضع همین طور بود. یعنی ارتباط تنگاتنگ با بچه ها وجود داشت، زمان شاه در یک مدرسه اسلامی که موازین خاص خودش را داشت درس می دادم. اما مقررات خاصی در اون مدرسه وجود داشت، اما من سعی می کردم با بچه ها راحت باشم و همین مسئله باعث شد که آنها نپذیرند که من کلاس فارسی و ادبیات راکه خودم خیلی علاقه داشتم تدریس کنم اما در مورد اینکه من متهم بشوم به

ساده اندیشی، ابتدا، به نظرم جواب شما منفی است. من در سیال ۵۸، قصه ای داشتم از محمد رضا صفدری که تبدیل شد به فیلم تا توره که سال ۶۲ ساخته شد، اوایل انقلاب بود و جو سیاسی حاکم شده بود. من هم فکر می کردم باید فیلم سیاسی بسازم و بالاخره ساختم، فیلم از نظر من ناموفق بود هم در گیشه و در هم حیطه کاری من، بعداً متوجه شدم که اشتباه است که آدم بخواید فیلم برای شرایط روز بسازد، فیلم برای خوش آمدن منتقد یا جشنواره بسازد، آدم باید فیلم خودش را بسازد، فیلمی که وجود خودش باشد من همیشه برایم این مسئله مهم بوده که در مرحله اول و آخر خودم راضی باشم، خودم شرمند نباشم از کاری که کرده ام. حالا اگر نظر منتقدها هم مثبت بود و جایزه هم گرفت، خوب خوشم می آید و احساس رضایت دارم، حالا اگر پر فروش هم باشد، باز هم بهتر. ولی در عین حال هیچکدام از این مواردی که گفتم برایم تعیین کننده نیست که بخوام از اول به این نیت فیلم بسازم.

سینما تئاتر: خیال و فانتزی یکی از عناصر مهم در سینمای کودکان و نوجوانان است. شما در آثارتان عموماً بسیار واقعگرایانه عمل می کنید و زندگی را آنطور که هست نشان می دهید، علت خاصی دارد که کمتر فانتزی و خیال در آثارتان دیده می شود؟

پوراحمد: من هیچوقت با تصمیم قبلی کار نمی کنم، هیچوقت از قبل مشخص نکرده ام که حالا می خوام یک کار فانتزی بسازم یا یک فیلم پرفروش، در مورد فانتزی با توجه به بی حد و مرز

دین و مذهب که در
تاچه و گنجه و
ویرین نیست،
مذهب در دل و
قلب ماست

بودن آن شاید زیاده به سمت آن حرکت نکرده ام، چرا که همانطور که شما گفتید من بسیار مقید به واقعگرایی هستم و همیشه این وابستگی رمز ایجاد می کند در مقابل بی مرز بودن فانتزی اما به هر حال فکر می کنم نوعی فانتزی هم در این آثار وجود دارد. در پی بی چلچله وقتی که نوجوان فیلم با یک درخت صحبت می کند و دوست می شود این خودش نوعی فانتزی است، البته نه اینکه از قبل تصمیم گرفته باشم، بلکه در اجرای کار احساس

کردم که جواب می دهد. به نظرم فانتزی فقط در بی حد و مرزی نیست و در زندگی واقعی هم می شود فانتزی ایجاد کرد، درخواهران غریب بچه ها وقتی که پیاز همزاه خودشان می برند و سعی می کنند گریه کنند این عمل یک جور فانتزی است در ذهن بچه ها.

سینما تئاتر: آیا شما برای بازی گرفتن از بچه ها به روش هایی متوسل می شوید که غیر اخلاقی است یا نه؟ برای بازی گرفتن از بچه ها همان صداقت که در کل اثر شما دیده می شود، از همان صداقت استفاده می کنید؟

پوراحمد: این بحث آزار دادن بچه ها بحث خیلی مفصلی است که من مدت ها درگیرش بودم، حرف زدم، مطلب نوشتم اما در نهایت به یک نقطه نظری رسیدم که شاید توجیه باشد، توجیهی که شاید اگر یک فیلم بتواند بین گروه زیادی از مردم تفاهم ایجاد کند ارزش داشته باشد. می آرزد به اینکه بچه ای رنج بکشد تا یک مجموعه کامل شود.

من در سال ۱۳۵۵ که اولین فیلم مستقل خودم را ساختم «زنگ اول زنگ دوم»، با یک بچه ای مواجه بودم که الکن بود و موضوع فیلم هم درباره یک بچه الکن بود. بچه الکنی را انتخاب کردیم که زندگی خانوادگی بدی داشت و اون بچه که حالا بزرگ شده هنوز هم با من ارتباط دارد. حالا در جزیره کیش فروشگاه دارد. تاثیر آن فیلم روی بچه این بود که لکت بچه از بین رفت و اعتماد به نفس پیدا کرد. بچه ای بود در لنگرود که کنار جاده تمشک می فروخت. نقش اول فیلم گاوپار را بازی کرد. بعد آمد تهران و خیلی تلاش کردم برایش کار پیدا کنم، می خواست پروود صدا و سیما، اکثر بچه هایی که با آنها کار کردم زندگی معمول و خوبی دارند و این فیلم ها روی آنها تاثیر بدی نگذاشته است. یکی از همین بچه ها پدرش دستفروش بود در یزد خانواده فقیری بودند، این آمد در فیلم (به ترتیب قد) بازی کرد، نقش کوچکی داشت. بعد هم در یک فیلم دیگر و در «تاتوره» هم نقش اول بود، این بازی ها باعث شد تا در زندگی یک حرکت و جهش ایجاد بشه که حتی این حرکت در خانواده اش هم تاثیر گذاشت و از نظر اقتصادی وضع خوبی پیدا کرد، الان یک فروشگاه بزرگ در طبقه در یزد دارد و لباس می فروشد. به نظرم در مجموع این تاثیرات مثبت است و البته در محدوده ای ۱۰ تا ۲۰ روزی که

مداریم کار می کنیم، شاید جایی هم لازم باشد که به نوعی آزار برسائیم در همین فیلم خواهران غریب، در صحنه ای از فیلم باید یکی از دخترها (الله) گریه می کرد. من آمدم جای خانم بایگان قرار گرفتم، وقتی دختر بچه آمد، شروع کردم سر او داد زدن که چرا یکی دو روز نیامدی، چون مریض بود و غیبت داشت و به او گفتم تو نباید مریض بشوی و پرخاش کردم، او شروع به گریه کردن کرد و بعد هم بلافاصله ما صحنه را گرفتیم

و بعد هم به او گفتم که می‌خواستیم در این صحنه تو گریه کنی. البته من هیچوقت کسی را کتک نزدم. ممکنه پرخاش کرده باشم، اونم در حدی که طرف مجبور بشود عکس‌العمل لازم رانشان بدهد و یا تحریک کرده باشم که حس مورد نظر را نشان بدهد. در مجموعه جدیدی که کار می‌کنم (سرنخ) نوجوانی به نام کامیار انتظامی (بردار زاده عزت الله انتظامی) بازی می‌کند، باید در صحنه ای گریه می‌کرد، امید نداشتم که خوب انجام بدهد مجبور شدم او را تحریک کنم. گفتم: کامیار جان کارت تمام شد دیگه. فکر کردی فیلم بازی کردی سوپر استار شدی - شدی عزت الله انتظامی، نخیر از این خبر هائیتست و بالاخره آنقدر او را تحریک کردم تا گریه کرد، حالا اگه قرار باشه جهانبخش سلطانی گریه کنه، خوب او حرفه ای است، تمرکز می‌گیرد و بعد گریه می‌کند، یا آقای رشیدی در فیلم تاتوره می‌رود داخل اتاق در را می‌بندد و بعد برمی‌گردد جلوی دوربین و گریه می‌کند، باز بزمی کرده به روحیات آدم های مختلف و کارگردان های مختلف. در خاطرات مارلون براندو می‌خواندم و نکته تشنگی بود. در فیلم «زنده باد زاپاتا» مارلون براندو با آنتونی کوئین همبازی بوده، صحنه ای است که زاپاتا انقلاب می‌کند و پیروز می‌شود و بعد با برادرش اختلاف پیدا می‌کند، الیاکازان می‌رود پیش آنتونی کوئین و می‌گوید براندو پشت سر تو حرف زده و گفته بیسواد و بازیگر نیستی و چه و چه - این مسئله حس خاصی ایجاد می‌کند، یک نوع تنفر و اتفاقاً بعد از فیلمبرداری خیلی خوب این صحنه درمی‌آید الیاکازان فراموش می‌کند چیزی بگوید و از این مسئله پانزده سال می‌گذرد و آنتونی کوئین در یک برنامه تلویزیونی می‌گوید که با مارلون براندو قهر است و بعد مشخص می‌شود که برای گرفتن نقش این دروغ بزرگ گفته شده است.

سینما تئاتر: شما وضعیت فعلی سینمای کودک و نوجوان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
پورا احمد: سینمای کودک و نوجوان از مجموعه سینمای مملکت و مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مملکت جدا نیست. در مورد سینمای جنگ، خوب یک سیاست‌گذاری‌هایی شده است و حمایت‌هایی می‌شود. فیلم‌های زیادی ساخته می‌شود منم به عنوان یک کارگردان دوست دارم در سینمای جنگ فعال باشم، اما خب به دلایلی تا حالا نشده است. در مورد سینمای کودک فکر می‌کنم در یک دوره ای شرایطی فراهم شد، در بنیاد فارابی، گروه کودک و نوجوان شکل گرفت و سیاست‌هایی انجام شد که عمر این دوره خیلی کوتاه بود. بیشتر اتفاقی بود تا سیستماتیک، بنظرم هیچ برنامه ریزی خاصی و سیاست‌گذاری خاصی برای توسعه و تشویق و حمایت از سینمای کودک وجود ندارد، اگر هم کسی فیلم ساخته، اتفاقی بوده است. مجید مجیدی، علی طالبی و...

بقیه دوستان بنظرم بیشتر اتفاقی است که در این حیطه کار کرده‌اند. نه اینکه اینها چیزی نداشته باشند، بلکه اتفاقی افتاده و این دوستان به این وادی آمده‌اند. یا حتی در مورد گروه‌های سینمایی نمایش فیلم، این گروه کودک از همه گروه‌های نمایش فیلم ضعیف‌تر است. فیلم خواهران غریب اگر در سینما آزادی نمایش داده می‌شود بخاطر

**من عمیقاً اعتقاد به
 مذهب دارم حتی
 «بخاطر هانیه» را به
 عنوان بهترین فیلم
 خودم می‌دانم که
 مذهبی است**

این است که حوزه هنری تهیه کننده فیلم است و گرنه در چند سینمای محدود، فیلم‌ها فروش نمی‌کنند.

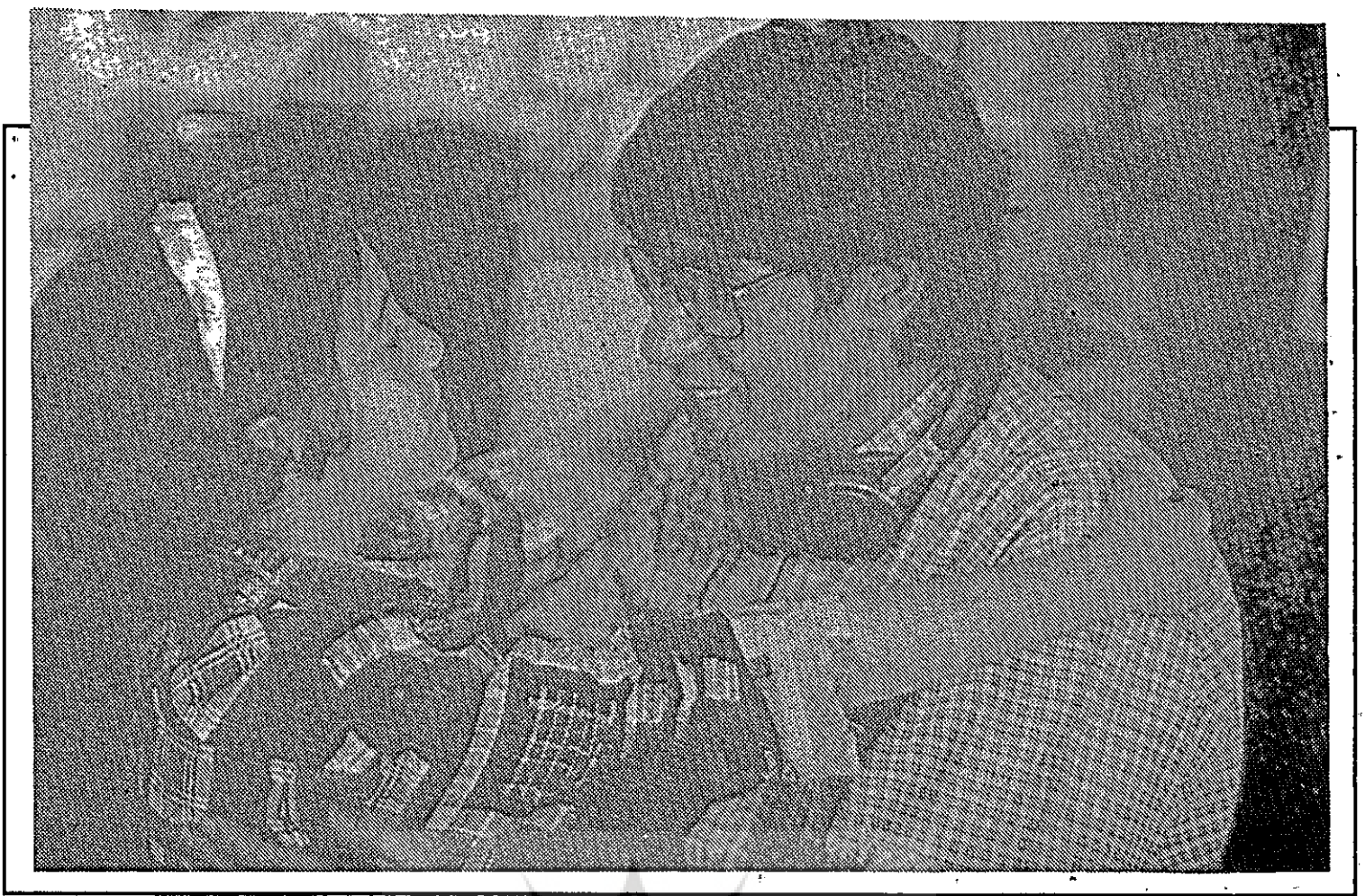
سینما تئاتر: جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان به نظر شما چه نقشی در گسترش سینمای کودک و نوجوان داشته است؟
پورا احمد: نوعی تشویق است، اما فکر می‌کنم این نوع حرکت‌ها بیشتر در حد آمار و ارقام است تا حالا جشنواره بوده است اگر تعطیل شود شاید بد باشد، اما این نوع حرکت‌ها، انسجام ندارد

سیستماتیک هم نیست.
سینما تئاتر: شما چه نوع پیشنهادی دارید برای این انسجام و حمایت از سینمای کودک و نوجوان.

پورا احمد: باید حمایت شود، همانطور که از سینمای جنگ حمایت می‌شود و اعلام می‌کنند، باید از سینمای کودک و نوجوان هم حمایت شود. در حال حاضر برای این نوع فیلم‌ها هیچ امتیازی در نظر نمی‌گیرند، حتی به لحاظ فرهنگی شما ببینید فیلم خواهران غریب درجه اش «ب» می‌شود. - جایزه کارگردانی گرفته و کاندیدای دریافت چند جایزه بوده است - استاد روانشناسی دانشگاه در مورد این فیلم می‌گوید که از نظر تربیتی و روانشناسی قابل تعمق است و بسیار فیلم مثبتی است. این درجه «ب» چه میزان فروش فیلم را پائین می‌آورد؟ این فیلم باید ۹۰ میلیون تومان بفروشد تا هزینه خودش را درآورد حالا این چه نوع حمایت است؟ نه تنها از سینمای کودک که از هیچ نوع سینمایی جز سینمای دفاع مقدس حمایت نمی‌شود. همه فیلمسازها با چنگ و دندان فیلم می‌سازند. تصویب فیلمنامه، گرفتن پروانه ساخت، جور کردن سرمایه برای فیلم، خیلی مشکلات وجود دارد. دو سال طول کشید تا من پروانه ساخت خواهران غریب را گرفتم، می‌گفتند آقای عیاری قبلاً شبیه به همین را ساخته، در صورتی که اینطور نبود، او هم یک اقتباس از داستان «اریش کستز» داشته به نام دو نیمه سیب، اینها ربطی به یکدیگر ندارند. به نظرم مشکلات کلی سینما باید مرتفع شود و بعد هم سینمای کودک.

سینما تئاتر: شما مشکل را در کجا





می‌گوییم مرتضی و ما و به خاطر هانیه بهترین آثار من هستند و با تمام وجود آنها را ساخته‌ام و خوشحالم، البته این که می‌گوییم مشکل دارم، نه اینکه همه چیز را از دریچه منفی نگاه کنم، آن طرف در نقطه مقابل هم یک سری اتفاقات مثبت دارد به وجود می‌آید. اگر فیلمسازی در حیطه آثار مذهبی کم است، بخاطر مسائل موجود است. همین فیلم مذهبی بخاطر هانیه را در نظر بگیرید، دو سال پیش در جشنواره روی آن مشکل داشتند و وقتی که داوری شد، آقای می‌گفت که مخالف این فیلم است، در حالی که بودند دوستان مذهبی که بعد از دیدن فیلم به یکدیگر می‌گفتند زیارت قبول. سینما تئاتر: به عنوان آخرین سؤال، چرا مرتضی و ما را ساختید، تا چه اندازه شهید آوینی را می‌شناختید؟

پورا احمد: من شهید آوینی را خیلی نمی‌شناختم و حالا هم شاید همینطور باشد و حتی شاید بخش زیادی از تفکرات او را اصلاً قبول نداشته باشم، اما دلیل نمی‌شود که رد کنم، من بخش کوچکی از تفکرات او را فهمیدم و ارتباط برقرار کردم، در جمع دوستان روایت فتح به آنها گفتم اگر کسانی غیر از بسیجی‌ها از آقا مرتضی تعریف کنند مهم است، بچه‌های بسیج که مرتضی را خوب می‌شناختند، وقتی که قرار شد این فیلم ساخته شود، دوستان زیادی توجیه می‌کردند که این کار را انجام ندهم، اما من چون دلم می‌خواست و ارتباط برقرار کرده بودم، این فیلم را ساختم. سینما تئاتر: با تشکر از جناب‌عالی بخاطر حضور در این مصاحبه. پورا احمد: من هم تشکر می‌کنم.

من می‌گویم یک فیلم می‌تواند فروش باشد و خوش ساخت هم باشد، باید به سلیقه تماشاگر احترام گذاشت و به سلیقه کودکان هم احترام بگذاریم.

است مثل روز واقعه و یا بخاطر هانیه، من یک مشکل اساسی دارم، مسئله حکومت و حکومت مذهبی که در پاره‌ای از اوقات بحث سانسور و اعمال سلیقه‌های شخصی در آن چاکم می‌شود، آزادی‌های فردی نادیده گرفته می‌شود، خوب من دوست ندارم به عنوان مبلغ این نوع حکومت باشم چرا که در پاره‌ای موارد با آن مشکل دارم، ببینید مسئله آزادی‌های فردی شوخی بردار نیست، من خودم عمیقاً اعتقاد دارم و حتی بخاطر هانیه را به عنوان بهترین فیلم خودم می‌دانم که مذهبی است. حتی وقتی این فیلم ساخته شد، یک‌عده روشنفکر در لوس آنجلس می‌خواستند با من مصاحبه کنند و مشکل اساسی آنها یکی ساختن همین فیلم بخاطر هانیه بود و دیگری ساختن فیلم مرتضی و ما در باره شهید آوینی، من گفتم اصلاً برای من این مصاحبه مهم نیست و هنوز هم

می‌بینید و چه راه حلی پیشنهاد می‌کنید؟ پورا احمد: من واقعاً نمی‌دانم = راه حل دادن بسیار سخت است - باید یک مقدار سعه صدر داشته باشیم، شما فکر کنید یک نهادی مثل خانه سینما وجود دارد، چند تا انجمن که یک شورایی انتخاب می‌کنند و کسی مثل تورج منصوری، که من از نزدیک ایشان را هم نمی‌شناسم مدیر اونجا بود، حالا شنیدم که کسی از طرف معاونت سینمایی منصوب شده، مکه این خانه سینما می‌خواند چکار کنه، یک سیلست کلی در تیمه همگانی در سطح کشور بوده که حالا خانه سینما هم همین کار را کرده است. اگر یک مقدار سعه صدر بود شاید این مشکلات کمتر می‌شد. در همین فیلم خواهران غریب صحنه‌ای است که زن و مرد آشتی کرده‌اند و دو تا تسبیح روی میز است که به صورتی نمادین پیوند این دو را نشان می‌دهم، حالا اگر زمان شاه هم بود، من بخاطر اعتقاداتم که نمی‌آمدم این دو تا آدم را در اتاق خواب نشان بدهم، همین کار را می‌کردم که حالا انجام داده‌ام، می‌گفتند این صحنه اشکال دارد و باید حذف شود. سینما تئاتر: در مورد سینمای مذهبی و دینی و گسترش این مضامین در فیلم‌های کودکان و نوجوانان چه نظری دارید؟

پورا احمد: من نمی‌فهمم سینمای دینی چیه، چند وقت قبل هم در حوزه هنری سمیناری داشتند تحت عنوان سینمای دینی، دین و مذهب که در طاقچه و گنجه و ویترین نیست، مذهب اگر وجود دارد در دل و قلب ماست و در ارتباط با زن و بچه و دوست و همسایه و همکار خودش را نشان می‌دهد، بعضی فیلم‌ها مشخصاً یک فیلم مذهبی